

گفت‌و‌گو با شلوموزند، نویسنده کتاب «اختراع قوم یهود»

افسانه تبعید اجباری یهودیان

۸

برخی اعضای شورای شهر تهران از عملکرد حناچی گلایه کردند

قوت گرفتن احتمال سوال از شهردار

۱۳



علیرضا آب آب (۵)

گفت‌و‌گو با ایرام فضلی، کارگردان فیلم «جن زیبا»

هیچ وقت کارگردانی مثل من پولدار نمی‌شود

می‌رود تا عید نوروز اکران داشته باشید.

تمام امید ما به این است. اگر این شکلی بشود شرایط خوبی برای ما مهیا می‌شود. فکر می‌کنم با افزایش یک هفته‌ای زمان اکران فیلم «جن زیبا» این فیلم بیشتر دیده شود و گیشه فروش مابستر شود.

■ **فیلم «جن زیبا» تبلیغات گسترده‌ای را از هفته پیش در مترو و حتی شبکه‌های ماهوارهای آغاز کرده است. این موضوع هزینه سنگینی هم بر دوش فیلمسازان می‌گذارد. سوال من این است که آیا از تبلیغات صداوسیما دل‌سرد شده‌اید و به سوی شبکه‌های ماهوارهای رفته‌اید؟**

ما هیچ تبلیغاتی به شبکه‌های ماهوارهای ندادیم. شریک خارجی این فیلم شروع به تبلیغات در برخی شبکه‌های خارجی کرده‌است. با این وجود در مترو هزینه کردیم. این هزینه‌ها اصلاً فراوان نبود. هزینه اصلی در لیپورداتوبانی است. ما مالبیورد نداریم. فکر می‌کنم مهم‌ترین بخش تبلیغات و بخش اصلی هزینه‌ها در لیپورددهاست. البته من تخصصی در این زمینه ندارم و تنها چیزهای کوچکی را می‌دانم. من فیلمساز هستم و آقای مهر داد فرید که تهیه‌کننده هستند در این موارد تصمیم‌گیری می‌کنند. باین وجود من فکر می‌کنم که بهترین تبلیغات در بخش

لیپورد خیابانی است. فکر می‌کنم بیشتر کارکرد دارد. ■ **به نظر می‌رسد، هزینه‌های فیلمسازی بالاتر رفته و این موضوع فیلمسازان را ذیت می‌کند. از این سو و آن سو به گوش ما می‌رسد که دولت چه از لحاظ مالی و چه از نظر بر روانه نمایش همکاری‌های خیلی خوبی نسبت به سال‌های گذشته با سینماگران دارد.**

هزینه فیلمسازی بسیار بالاتر رفته است. خود من هم بیشتر مواقع در سکوت مدیر فیلمبرداری فعالیت می‌کنم. در فیلم «جن زیبا» بازیگران چهره داریم. یک سلبریتی بین‌المللی هم آورده‌ایم. دولت با ما همکاری کرده‌است و اگر اکران طولانی مدتی به ما بدهد دیگر همه چیز عالی می‌شود. اگر شرایط اکران مابستر شود، می‌توانیم بگوییم که دولت همکاری خوبی هم با گروه ما داشته‌است. به هر صورت مراحل مختلفی را طی کرده‌ایم. بازیگر خارجی آوردیم که این اتفاق در فیلم‌های دیگر هم رخ داده است. دولت وامی به فیلم «جن زیبا» نداده‌است. این فیلم کاملاً خصوصی است. با این وجود دوست داشتیم کمک مالی هم به ما می‌شد(با خنده) و اقا هم ممنون دولت‌می‌شدیم.

■ **صداوسیما همکاری خوبی با فیلمسازان ندارد. من یادم می‌آید که در سال‌های دور تبلیغات خوبی در این رسانه عرض و طول برای فیلم‌های سینمایی می‌شد. مدام هم می‌گفتند فلان فیلم بر نامه امشب سینماهای تهران و شهرستان است. اما در این سال‌ها شاهد هستیم که مدیران صداوسیما تبعیض قائل می‌شوند. برخی فیلم‌ها تبلیغ می‌شوند و برخی اصلاً دیده نمی‌شوند.**

من اصلاً کاتال‌های تلویزیون ایران را ندارم و دقیقاً هم نمی‌دانم چه همکاری با فیلم‌های در حال اکران دارند. فکر می‌کنم تعداد خیلی محدودی آنونس به فیلم «جن زیبا» در همان ابتدا دادند. البته بر آورد دقیقی ندارم. باید اینگونه بگوییم که صداوسیما با برخی فیلم‌ها همکاری می‌کند و با برخی نمی‌کند. این موضوع را شما که اهل رسانه هستید به خوبی می‌دانید. لازم نیست من بگویم.

■ **به نظر من خیلی تبعیض آمیز است. شاید شاهد یک نوعی از بی‌عدالتی باشیم.**

شما خصوصیت اخلاقی من را می‌دانید. آدمی هستم که روی پای خودم ایستادم. من از زندگی خودم زده‌ام تا فیلم بسازم. فیلم‌های اولیه‌ام را خودم تهیه کردم و سرمایه‌گذار هم بودم. معمولاً در این موارد سکوت می‌کنم. به قول معروف نمی‌ایم در این موضوعات بررسی‌کنم و بگویم چرا اینگونه شده‌است. اگر شرایط عالی‌بود که اینجا «هالیوود» بود(با خنده) به هر حال دوست ندارم به این چیزها انتقاد کنم. مادر این مملکت با کمبودهایی بزرگ شده‌ایم. فیلمسازی‌ام هم به گونه‌ای بوده که همیشه مستقل مانده‌ام. خیلی دوست دارم، رسانه‌ها و صداوسیما با ما همکاری کنند. زمانی که فیلم «باز هم سیب‌داری؟» را ساختم، علاقه‌مند بودم تا روی

بگوم حرفه کارگردانی مورد علاقه من است. دوستش دارم. من یک سینماگر هستم. باین عشق به تهران آمدم. شاید در شهرستان خودم می‌ماندم و زندگی نرمالی داشتم. همه چیز بهتر بود.

■ **البته این روزها بیشتر آدم‌ها به دنبال زندگی غیر عادی و شگفت‌انگیز هستند...**

واقعت‌مآب این است که الان فکر می‌کنم باید به دنبال زندگی نرمال باشم(با خنده) سن من واقعاً بالاتر رفته‌است. دوست دار فیلم‌هایم بفروش.

■ **فیلم‌های شما به هیچ‌عنوان در راستای سینمای مبتذل سلبریتی محور نیست. آنها گویا تبلیغات خاصی دارند و حمایت‌هایی هم از آنها می‌شود. سینمای مستقل چگونه می‌تواند با این فیلم‌ها رقابت کند؟**

آقای رسولی از زمانی که جریان سینمای پخش‌کننده‌ها را می‌شناسم وارد بخش اصلی شد و نظرات هم از آنها مشتعل می‌شدم. ولی این وضعیت باعث شد سینما به جاهایی برسد که خودشما به خوبی می‌دانید، کجاست! من نمی‌توانم چنین فیلم‌هایی بسازم. اصلاً دوست ندارم. کار سینما هم نیست. به آسانی می‌توانید از فیلم‌های تجاری ساده کپی کنید تا بفروشد. من فیلم‌های خودم را می‌سازم. سینمای من خصوصیت تجربی دارد و شاید همیشه هم جواب‌نهد. رقابت خیلی سخت‌است. همین دلیل اصلی انتخاب خانم نور گل یشیلچای هم این بود. این بازیگر با فاتح اکین کار کرده‌است. او در سریال‌های ترکی‌های هم خیلی موفق است. شاید باورتان نشود در کشور‌های مختلفی محبوب شده‌است. اکران فیلم «جن زیبا» در کشور‌های ترکیه و آذربایجان قطعی است. در حال‌رزی این کشور‌های دیگر هم هستیم. او در امریکای جنوبی هم محبوبیت دارد ولی هنوز نتوانستیم به آنجا برویم. خود خانم نور گل یشیلچای می‌گفت که در کشور خیلی به شدت محبوب است. برای ما خیلی جالب بود. سریال‌های ترکی‌رهاش را به آنجا هم پیدا کرده‌است. به نظر من فیلم «جن زیبا» می‌تواند راه‌ابراز کند. از مومن و خطاست. کشور ترکیه تقریباً ۳ برابر سینمای ایران سالن سینمایی دارد. فیلم‌های هالیوودی را هم نمایش می‌دهند. می‌شود گفت یک بازاری هم در آنجا داریم. هر چند که به انجام‌اسلمت نیستیم.

سه‌شنبه ۲۸ اسفند ۱۳۹۷، ۱۲ رجب ۱۴۴۰، ۱۹ مارس ۲۰۱۹، سال شانزدهم، شماره ۴۳۳۴

اختیار

پیشنهاد کتاب برای نوز

بازی‌های روابط انسانی

داوود محبی



کتاب «بازی‌ها»ی اریک برن در دسته کتاب‌های روانشناسی روابط انسانی قرار دارد. «بازی‌ها» در واقع ادامه مطالب کتاب «تحلیل رفتار متقابل»، نوشته دیگری از اریک برن است. اما این به معنای پیش‌نیاز بودن این کتاب نیست. طرح کتاب «بازی‌ها» به گونه‌ای است که می‌توان آن را مستقل خواند و فهمید. با همه اینها احتمالاً کسی که سراغ آن می‌رود با مفهوم کلی بازی‌ها از منظر روانشناسی آشناست. در بخش اول، زمینه لازم برای تحلیل و تفهیم بازی‌ها به‌طور خلاصه آورده شده‌است. بخش دوم تحت عنوان «فرهنگ بازی‌ها» شامل توصیف انفرادی بازی‌هاست. در این بخش بازی‌ها به هفت گروه مجزا تقسیم می‌شوند: بازی‌های زندگی، بازی‌های ازدواج، بازی‌های مهمانی، بازی‌های دنیای تبهکاری، بازی‌های اتاق مشاوره و بازی‌های خوب. هر یک از این گروه‌ها خود شامل چند گونه اصلی هستند که اریک برن تک‌تک آنها را در قالب مثال بررسی و تحلیل می‌کند. بخش سوم کتاب با عنوان «در فراسوی بازی‌ها» شامل مطالب بالینی و نظریات تازه‌ای است که به نظریات قبلی اضافه شده تا به درک مفهوم «رفتار خالی از بازی» کمک کند. بازی‌ها سلسله مرآورده‌هایی هستند میان افراد و برای برقرار کردن ارتباط به کار می‌روند. تمام اعمال متقابل انسان‌ها طبق بازی‌های مرسوم و آدابی که از دل این بازی‌ها بیرون آمده، انجام می‌شود و می‌توان گفت تمام رفتار انسان‌ها بازی است. اریک برن در کتابش بازی را این‌طور تعریف می‌کند: «بازی رشته‌ای تبادل مکمل با هدف نهفته است که تا حصول به نتیجه پیش‌بینی شده و کاملاً مشخص پیش می‌رود و جریان پیدا می‌کند. یعنی هر بازی رشته‌ای تبادل مشخص و غالباً تکراری است، با ظاهری قابل قبول و دارای انگیزهای پنهانی – یا به زبان عامیانه‌تر رشته‌ای حرکت است با دام یا کلک.» و در ادامه به بررسی نمونه‌ای از بازی‌های رایج میان زن و شوهرها یعنی «اگر به خاطر تو نبود...» می‌پردازد و از آن به عنوان الگویی برای توصیف ماهیت کلی بازی‌ها استفاده می‌کند. خواندن کتاب «بازی‌ها» همچون بسایر کتاب‌های حوزه روانشناسی زمانبر است. بعد از آشنایی با هر یک از بازی‌ها به زمانی مناسب احتیاج دارید تا آنها را در روابط خود بیابید و تحلیل کنید؛ پس نگران کند پیش رفتن مطالعه کتاب نباشید. کتاب «بازی‌ها» با ترجمه اسماعیل فصیح و از سوی نشر ذهن آويز منتشر شده و تاکنون به چاپ بیست‌وششم رسیده‌است.

ستاره‌ها پشت سر مرنگون شده‌است

ساهر رستمی

«کوچ شامار» رمانی به قلم فرهاد گوران است و از سوی نشر آگاه و بان به بازار کتاب راه یافته. از این کتاب باید به عنوان فصل سوم رمان «تفنی تنگی» یاد کرد. شامار جوان کر دی است که بعد از زلزله کرمانشاه، در عین سگ‌سواری به ناگزیر مادرش را در یک گور گروهی به خاک می‌سپارد و با کوله‌باری از متون آیینی، تاریخی و خاطرات، از سرزمین ویران شده‌اش به پایتخت کوچ می‌کند و در یک کمپ ترک اعتیاد مشغول به کار می‌شود. او که باید فرستی از بیماران کمپ تهیه کرده و برای هر یک شرح حال بنویسد، این بار با دنیای ویران شده بزرگ‌تری روبه‌رو می‌شود که او را بیش از پیش در بهت و حیرت فرو می‌برد. استفاده از بن‌مایه‌های اساطیری فرهنگ کردی، واژگان و مثل‌های آن، در کنار تئری پایه‌یار و انقطاع در پیرنگ را می‌توان از ویژگی‌های بارز زبان و فرم این اثر دانست. زاویه‌دید زست انسانی است؛ روایتی چندلایه از حوادث واقعی و دغدغه‌های انسانی که با نقل قول‌ها، رسوم و آیین‌های بومی در کنار زندگی مدرن، با سبکی نیمه‌غریب گره خورده‌است.

گوران هوشمندانه نشان می‌دهد که کمپ چگونه می‌تواند خارج از خودش گسترش یابد. تا جایی که تفاوت چندانی میان گم‌گشتگی و تناقض‌های آدم‌های بیرون با شخصیت‌های درون کمپ به چشم نمی‌خورد؛ شخصیت‌هایی که برای گریز از گذشته به مرزین و متامفتمین پناه برده‌اند؛ به رویا، هذیان، بیداری‌های ممتد، به وهم. این گریز از ابتدا تا به انتها در بطن اثر جریان دارد؛ گویی که چاره‌ای جز کوچ نیست. «کوچ شامار» تمثیلی از آخرین نفس‌های یک سرسرمزین افیون‌زده است. دنیایی است که در آن هیچ کس سر جای خودش نیست. دانش آموخته ادبیات – میمو – دادزن یک انتشارات است، مستشرق تاجر فرش است و مهندس – شامار – دفترداری است که شرح حال معتادها را می‌نویسد. همه این آدم‌ها در یک فساد گروهی، مرگ و فراموشی راه و وسیله افیون صدا می‌زنند. مرگ در سراسر داستان حضور دارد ولی نه آن مرگی که خود به سمت آدمی می‌آید؛ اینجا آدم‌ها خودشان مرگ را فرامی‌خوانند. راوی جایی از رمان می‌گوید: «خورشید به اندازه یک طناب‌دار از قله دماوند بالا آمده بود؛ طناب‌داری که خود تمثیلی از در پابان رمان با یک اسب ناپدید می‌شود؛ یک کوچ استعاری دیگر.



■ **هزینه فیلمسازی بسیار بالاتر رفته است! من هم بیشتر مواقع در سکوت مدیر فیلمبرداری فعالیت می‌کنم. اگر شرایط اکران بهتر شود، می‌توانیم بگوییم که دولت همکاری خوبی با ما داشته‌است. ■ من فیلم‌های خودم را می‌سازم. سینمای من خصوصیت تجربی دارد و شاید همیشه هم جواب ندهد. رقابت خیلی سخت است. همین الان فیلم من در کنار چند فیلم دیگر اکران شده‌است. این نوع سینما را دوست دارم. شاید هیچ‌وقت کارگردانی مثل من پولدار نمی‌شود!**